

عنوان مقاله:

زمان بدون گذر در فلسفه صدرا

محل انتشار:

مجله فلسفه و کلام اسلامی، دوره 51، شماره 1 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

رهام انصاری مهر - دانش آموخته ی دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه اصفهان

جعفر شانظری - دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه اصفهان

خلاصه مقاله:

نظریه ای را که بر اساس آن، زمان واقعیت دارد ولی گذر زمان واقعیت ندارد، نظریه «زمان بدون گذر» می نامیم؛ گذر زمان، به تعبیری، برآمده از زنجیره ای از رویدادهاست که در آن، هر رویداد در نسبت با «اکنون» مرتب می شود. هدف اصلی این مقاله واکاوی دیدگاه صدرالمتالهین درباره گذر زمان است. در این راستا نشان می دهیم که او از سویی بنیاد زمان را زنجیره ای عینی از رویدادها می داند که در آن، هر رویداد در نسبت با رویدادهای دیگر مرتب می شود نه در نسبت با اکنون، و از سوی دیگر، برای اجسام اجزاء زمانی در نظر می گیرد و در مورد اتصال اجزاء زمانی یک موجود تحلیلی دارد که مطابق آن، تمایز وجودی میان مقصدهای گذشته، اکنون و آینده از میان می رود. هردو سوی این قضیه تنها با نظریه زمان بدون گذر همخوانی دارد نه با نظریه رقیب آن (این نظریه که زمان و گذر زمان، هردو واقعیت دارند). بدین لحاظ می توان گفت که صدرا به نظریه زمان بدون گذر گرایش دارد. این مطلب می تواند لوازم هستی شناختی برخی مفاهیم کلیدی فلسفه صدرا مانند حرکت جوهری و حرکت به معنای قطع را روشن تر سازد.

کلمات کلیدی:

اجزاء زمانی، حرکت جوهری، زمان، گذر زمان، فلسفه صدرا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1889095>

